



زهرا نساجی

شرح درداشتیاق

تحمّل می‌کنیم و به‌دور از چشم آنان صحیفه دل را باز کرده و آرام‌آرام می‌خوانیم: السلام علیک یا حسن‌بن‌علی، السلام علیک یا علی‌بن‌الحسین...

در این مکان شخصیت‌های بزرگی همچون فاطمه بنت اسد، ام‌البین، دختران و عمه‌های رسول‌خدا نیز مدفون‌اند.

گرمی هوا آزاردهنده است، اما خنکای اشک، وجودهای گُر گرفته را التیام می‌بخشد و لطافت نسیم دیدار عاشقان با معشوق دل‌ها را تسلی می‌دهد. هنوز در حال و هوای زیارت هستیم که اعلام می‌کنند وقت به پایان رسیده است. غروب خورشید نزدیک است. طولی نمی‌کشد که صدای اذان از مأذنه‌ها بلند می‌شود: الله اکبر، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله... دل‌هامان بهانه می‌گیرد به یاد نامی که در اذان این جماعت هرگز نمی‌شنوی: «اشهد ان علی ولی‌الله» بی‌گمان اگر این شهادت را داده بودند شاهد این همه غربت و مهجوریت در طول تاریخ نبودیم.

مکان‌های دیدنی مدینه

در مدینه مکان‌های دیدنی و زیارتی بسیاری وجود دارد که قبرستان شهدای اُحد نمونه‌ای از آن است. برای تجدید میثاق و زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره یاران پیامبر به آن مکان می‌رویم. از دیگر جاهای مقدس در مدینه مسجد قبا است و آن نخستین مسجدی است که پس از ورود پیامبر به این شهر بنا شد. مسجد ذوقبلین از جمله مساجد تاریخی این شهر است و از آنجا که رسول خدا ﷺ نماز ظهر را به‌سوی بیت‌المقدس و نماز عصر را به فرمان پروردگار به جانب مکه خواند، این مسجد به این نام شهرت یافته است. غیر از این دو مسجد مساجد بسیاری چون مسجد غمامه، مسجد شجره، مسجدالماء، مسجد عسکر، مسجد مباحله و مساجد هفت‌گانه در مدینه وجود دارد که مسلمانان با حضور در آنها و اقامه دو رکعت نماز، پیوستگی و تعهد خود را نسبت به پیامبر و آیین حیات‌بخش اسلام اعلام می‌دارند. پایان سفر یک هفته‌ای مدینه آغاز سفر مکه است. جایگاهی که قلب هزاران مسلمان به عشقش می‌تپد و آرزوی رسیدن به آن بیت عتیق قلب هر انسانی را تسخیر کرده است.

پیش از ورود به مکه به مسجد شجره می‌رویم و به نیت عمره مفرده مُحَرَّم می‌شویم و شعار زیبا و توحیدی «اللهم لیبک... لیبک لا شریک لک لیبک» را بر زبان

اصلی و قدیمی آن بناست واقع شده است. مأموران پلیس برای جلوگیری از هجوم جمعیت به حرم یا توپ و تشر آنان را متوقف می‌کردند و به نوبت اجازه ورود جمعی را به روضه پیامبر ﷺ می‌دادند.

کنار مرقد پیامبر باید سریع نماز خواند و خارج شد. برخلاف عرف و آیین ما، راز و نیاز، گریه و توسل، خواندن زیارتنامه برای مأموران خوشایند نیست! آنان با برخوردی تند کام عطشناک زائران را که به شیرینی دعا و عبادت سخن محتاج‌اند بی‌نصیب می‌گذارند و با خروج زود هنگام از حرم دل‌ها را می‌سوزانند.

اگر زمانی از وقت زیارت باقی باشد می‌توان به فضای باز مسجد آمد و در آنجا نیز قرآن تلاوت کرد و یا نمازی خواند. در این جایگاه، گنبد سبز و ساده پیامبر چون نگینی زمردین جلوه‌گری می‌نماید. با دیدن گنبد، قلبم به تپش می‌افتد. چقدر حرف برای گفتن دارم! اما خدا می‌داند که لب به سخن باز نمی‌شود و بغض فروخورده به پایین نمی‌رود. تا من نای صحبت کردن داشته باشم. به‌ناچار با دل و دیده آنچه را که از زندگی پیامبر و حوادث آن دوران یاد گرفته و خوانده‌ام دوباره مرور می‌کنم. و با زلال اشک به قلبم می‌سپارم.

غریبان آشنا

هر روز ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر زمان زیارت امامان معصوم ﷺ در قبرستان بقیع است. این وقت را مأموران دولتی تعیین کرده‌اند. چنانچه این فرصت از دست برود تأسفش تا آخر عمر باقی خواهد ماند. لمس پنجره‌هایی که بسیار داغ‌اند و نشستن بر زمینی که از آن تفتیده‌تر و خواندن دو رکعت نماز زیارت به یاد اثمه مدفون در آن صحرا التهایی خاص برای ما به ارمغان می‌آورد.

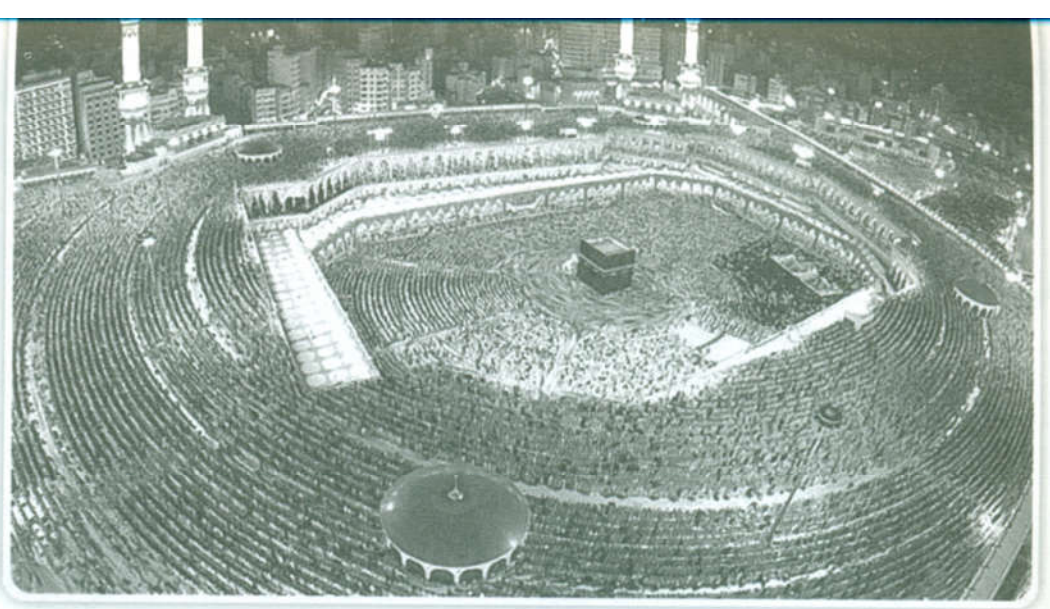
فاصله قبور مطهر تا جایگاه عاشقانی که در آن ساعت از روز پروانه‌وار گرد ضریح بی‌نام و نشان آنان می‌چرخند زیاد است، و به‌سختی می‌توان مرقد آنان را مشاهده کرد. علامت شناسایی نیز چهار قطعه سنگ است به نشانه چهار قبر در کنار یک دیوار سنگ‌چین، در زمینی مثلثی شکل که اطراف آن را با آسفالت پوشانیده‌اند. دل‌هامان را به عشق و محبت فرزندان رسول خدا ﷺ با بطن پر رمز و راز آن بهشت زمینی که ظاهراً ساده و خاکی است پیوند می‌زنیم و مدهوش دیدار می‌شویم، و توپ و تشرهای مأمورانی را که مانع نزدیک شدن زائران به دیوار و پنجره قبرستان هستند

بارها این جمله را خوانده بودم: «اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام و زیاره قبر نبیک» به گونه‌ای که برایم عادی شده بود، و برآورده شدن آن امری محال می‌نمود. تا اینکه به لطف الهی این سفر نصیبم شد و امیدی تازه در دلم جوانه زد. پس از ثبت‌نام و انجام مراحل اولیه، در یکی از شب‌های تابستان ۸۵ آماده سفر شدم. وقتی به آسمان کشور عربستان رسیدیم شهر مدینه با نورانیتهی خاص از پنجره هواپیما دیده می‌شد. دوستم که چندین بار این سفر را تجربه کرده بود برایم گفت، می‌بینی آن پایین مسجدالنبی است و آن هم گنبد پیامبر، اشک از دیدگام سرازیر شد، دیگر باید چشمانم را می‌بوسیدم که از فراز ابرها رؤیای مرا به واقعیت تبدیل کرده بودند. در همین حین صدای بلندگوی هواپیما مرا به خود آورد: مسافری عزیز، تا لحظاتی دیگر هواپیما در فرودگاه مدینه به زمین خواهد نشست. سفری خوش و زیارتی مقبول برایتان آرزو می‌کنیم. در فرودگاه باد گرمی می‌وزید، که برایم بسیار شیرین و دلچسب بود. از احساس اینکه در شهر مدینه هستم و این هوا را تنفس می‌کنم قوت قلب می‌یافتم. زمین و زمان آنجا، حتی آدم‌هایش، مأموران پلیس، بازرسان و دیگر زائران همه و همه برایم تازگی داشت، چون آنجا مدینه شهر پیامبر و مهد پرورش بسیاری از انسان‌های وارسته و الهی بود.

لذت عبادت

مسجدالنبی در عین قداست، از نظر معماری و وسعت بی‌نظیر در اوج زیبایی رخ می‌نماید. ورودی‌هایش به نام صحابه نامگذاری شده است. از باب علی ﷺ وارد شدیم. فضای روحانی مسجد و اذان صبح روح را طراوت می‌بخشید و جان را صفا می‌داد. جنب‌وجوش جمعیتی که به‌سرعت صف‌های نماز را پر می‌کردند برایم جالب بود. سرتاسر مسجد فرش بود و به‌ندرت زمین خالی یافت می‌شد تا بتوانیم به جای مهر بر آن سجده کنیم. امام جماعت با قرائتی زیبا نماز را خواند. لذت عبادت در مسجدالنبی که ارزش یک نماز آن برابر هزار نماز است برایم ملموس گشته بود و از این بابت خدا را شکرگزار بودم. نماز که پایان یافت سیل جمعیت چون عاشقانی واله و دلباخته به‌طرف حرم پیامبر ﷺ راه افتادند. مرقد متور رسول خدا ﷺ و خانه فاطمه در جوار هم و در قسمت اصلی مسجدالنبی که همان ساختمان





به درگاه الهی خاطره فداکاری‌های اسماعیل و سختی‌ها و مقاومت‌های مادرش هاجر در ذهن آدمی احیاء می‌شود. مراسمی که با این مادر و فرزند پیوستگی دارد سعی بین صفا و مروه است. می‌گویند این دو کوه از قداستی ویژه برخوردارند و هبوط آدم و همسرش حوا در اینجا اتفاق افتاده است. هاجر نیز در جست‌وجوی آب برای رفع عطش فرزند خردسالش فاصله این دو کوه را با هیجان طی کرده است. هر کس به زیارت خانه خدا می‌آید بر او فرض است که بین صفا و مروه هفت بار سعی نماید. حاجیان پس از سعی، تقصیر می‌کنند. یعنی مقداری از ناخن و موی سر و صورت را می‌چینند. با این عمل هرچه در ایام احرام بر حاجی منع شده حلال می‌شود.

شکوه تنهایی

در نیمه شبی برای بازدید از غار حرا که در کوه نور واقع است آماده شدیم. آن زمان مسیر خلوت‌تر و نیز از گرمای خورشید مصون بودیم. تا دامنه را با ماشین رفتیم و از آنجا در سربالایی تندی که در آن تاریکی درست دیده نمی‌شد حرکت کردیم. طی آن مسیر کار آسانی نبود و ما قدم‌ها را به امید مشاهده جایگاهی مقدس، استوار و با هیجان بر می‌داشتیم. هر زمان راه سنگلاخ‌تر و نفس‌گیرتر می‌شد و ما با ذکر یا محمد و یا علی بر خستگی خویش غلبه می‌یافتیم. با خود می‌اندیشیدم، بی‌جهت نیست که نام پیامبر در همه مکان‌ها و زمان‌ها جاودانه مانده است. تحمل سختی‌های فراوان در راه خدا و نشر آیین الهی همراه با خودسازی و کسب رضایت پروردگار از جمله خصایص ارزنده‌ای است که هیچ‌کس همانند او به‌دست نیاورده است. در ادامه مسیر وجود تخته‌سنگ‌هایی بزرگ راه را تنگ‌تر می‌نماید. با رسیدن به غار، فضایی نسبتاً وسیع در بیرون آن مشاهده می‌شود. ولی داخل غار ظرفیت ایستادن بیش از یک نفر را ندارد. با اقامه دو رکعت نماز در آن مکان مقدس حاجت خویش را از خدا طلبیده و سپس همراه با روحانی کاروان نماز صبح را به‌جای می‌آوریم. هنوز خورشید طلوع نکرده که ما راه بازگشت از کوه را در پیش می‌گیریم و به شهر باز می‌گردیم.

لذت دیدار

با ورود به صحن مسجد انتظارمان برای دیدن خانه خدا به پایان می‌رسد. سر به سجده می‌گذاریم و با خدا درد دل می‌کنیم. حاجت‌ها را به خاطر می‌آوریم تا با نگاه اول به کعبه آنها را از پروردگار عالمیان درخواست کنیم. نگریستن به خانه خدا عبادت است و این لحظه بسیار زیبا و دلنشین از بهترین لحظات این سفر معنوی است. عظمت خانه خدا چنان است که همه دل‌ها را تسخیر می‌کند. در روایتی آمده است این خانه در برابر بیت‌المعمور که موازی با عرش خداست قرار گرفته و عرش بر پایه چهار رکن واقع شده، که عبارت است از «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر». طواف از حجرالاسود آغاز می‌شود. طواف خانه خدا با شکوه‌ترین اعمال حج است. به هنگام طواف باید کعبه طرف چپ طواف‌کننده باشد. با قدم‌هایی آرام هفت دور گرد خانه خدا می‌گردیم و با ذکر و دعا و قرائت قرآن طواف را به پایان می‌رسانیم. بر بنای کعبه پرده‌ای از ابریشم نصب شده که بر حاشیه آن رشته‌هایی از نقره و طلا بافته شده است. دیوارهای این خانه هرکدام به نامی خوانده می‌شوند. از جمله قسمتی از پایین دیوار کعبه که یک طرف آن حجرالاسود و سوی دیگرش در کعبه است ملتزم نامند. مردم در این قسمت می‌ایستند و به دیوار می‌چسبند و دعا می‌خوانند. پیامبر خدا فرمود: ملتزم محلی است که دعا در آنجا پذیرفته می‌شود. دیوار مقابل ملتزم را مستجار نامند؛ چار به معنای همسایه و مستجار یعنی پناه‌بردن. بعد از رکن یمانی در فاصله رسیدن به رکن اسود مستحج است بگوید: ربنا اتنا فی الدنيا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار. این دعا را حاجیان با هماهنگی و یکپارچگی زمزمه می‌کنند. طواف‌کننده باید به دور حجر اسماعیل بگردد ولی داخل آن نشود. این مکان فضایی است که با دیوار نیمه‌دایره‌ای به عرض حدود ۱۰ متر از زاویه شمالی تا غربی کعبه امتداد دارد. همچنین از ناودان طلا باران به حجر اسماعیل می‌ریزد. و نیز محل دفن حضرت اسماعیل و مادرش هاجر و چندین پیامبر در این مکان مقدس است. در اوقاتی غیر از طواف زائران در اینجا به نماز و دعا می‌پردازند. مراسم طواف را با اقامه دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم کامل می‌کنیم. این مقام از شعائر ارزشمند اسلام است. با نوشیدن آب زمزم و شکرگزاری

جاری می‌کنیم. ظاهر امر آسان است. آیا خداوند ندای ما را پاسخ می‌دهد؟ یا شامل حال این بیت شاعر می‌شویم:

به طواف کعبه رفتم به حرم رَهَم ندادند

که برون در چه کردی که درون خانه آیی!

اکنون که مُخَرَّم شدیم باید از مبطلات احرام بپرهیزیم و با جمعیتی که همه لباس سفید و یکدست به تن دارند و در مسجد گرد آمده‌اند احساس برابری و دوستی کنیم. پیش از ورود به مسجد الحرام به محوطه‌ای باز و گسترده می‌رسیم، گفته می‌شود، شعب ابی‌طالب که حماسه شکوهمند پایداری پیروان مکتب وحی در برابر کفر و پیروزی آنان را در سنگر اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته در این محل بوده است. امروزه این اثر در زیر اسفالت مدفون شده است و اثری از آن نیست. از زیبایی‌های دیگر، کوه ابوقیس است که با عظمتی بی‌نظیر، محکم و پا برجا نگاه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند و خاطره ارشادات تاریخی پیامبر خدا را در ذهن زنده می‌کند. در کوچه‌ای در سمت چپ به‌سوی کوه صفا خانه زیدبن‌ارقم این اثر ارزشمند که یادآور تلاش‌های تبلیغی مسلمانان صدر اسلام است به دست وهابیان تخریب و آثار آن محو شده است. محل ولادت پیامبر اسلام که فعلاً به جای آن کتابخانه و یا مکتب‌خانه‌ای بنا شده در قسمت راست این محوطه واقع شده است و باز در همین محدوده کمی جلوتر خانه حضرت خدیجه همسر گرامی رسول خدا به دست فراموشی و ویرانی سپرده شده است. منزل حضرت خدیجه یادآور حساس‌ترین مرحله تاریخ اسلام و منزلگاه پیامبر خدا بوده، آن مکان مقدس جایگاه نزول وحی الهی بر رسول خدا ﷺ و یادآور خاطره نخستین بانوی فداکار مسلمانی است که همه ثروت خود را در راه پیشبرد آرمان‌های بلند اسلام ایثار کرد. حاجیان از باب‌های مختلفی به مسجد الحرام وارد می‌شوند، از جمله باب‌الشبیه و آن دری است که رسول خدا ﷺ همراه مسلمانان وارد مکه شد و بر بت‌های جاهلیت پا نهاد. امروزه این در بسته شده است و بیشتر از باب‌السلام وارد می‌شوند. باب‌علی، باب‌الباس، باب‌النبی و باب‌الصفا از جمله ورودی‌های دیگر مسجد هستند.

